جامعه



چالش فرهنگ دوگانه سوز!

می‌گویند برای رفع آلودگی هوا فقط در مواقع بحران ماشین شخصی بیرون بیاورید؛ حال آلودگی هوا وقت بحران محسوب می‌شود؟

نوشته نگار مفید

توصیه‌ای برای شما دارم؛ از فست‌فودها دوری کنید و دست از سر تنقلات پرکالری بردارید تا سلامتی‌تان تضمین شود. این توصیه را نه فقط من، که رسانه‌های جمعی، وزارت بهداشت و والدین هم به شما بگویند. یک جمله ساده و پذیرفته‌شده است. همه‌مان هم می‌دانیم هزینه تغذیه سالم بسیار بالاتر از تغذیه ناسالم است و البته زمان بیشتری هم از ما می‌گیرد تا یک وعده غذایی سالم برای خودمان تهیه کنیم. از شست‌وشوی سبزیجات بگیر تا مرحله بخارپز شدن و فکر کردن به بخش جنبی غذا. به همین دلیل است که هر مرتبه از خیر خرید یک ساندویچ هات‌داگ ۱۲ هزار تومانی می‌گذریم یا چیزبرگر ۲۵ هزارتومانی را رها می‌کنیم، خوب می‌دانیم که به نفع زندگی سالم خود یک قدم مهم برداشته‌ایم.

حالا توصیه‌ای دیگر برای شما دارم؛ سیگار نکشید. سیگار قدرت ریه‌هایتان را کم می‌کند و روند اکسیژن‌رسانی را به بدن با مشکل مواجه می‌کند. این توصیه را هم بسیار شنیده‌اید، رسانه‌های جمعی، وزارت بهداشت، مقالات علمی متنوع و صدالبته نگارنده این توصیه را به صورتی اکید برایتان مطرح می‌کنیم و برای وسوسه شما، توضیح می‌دهیم که قطع هزینه‌های سیگار اگر شما را میلیاردر نکند، قطعا پول جیب شما را بیشتر می‌کند و علاوه بر کاهش هزینه، در وقت هم صرفه‌جویی می‌کنید و به ازای هر یک نخ سیگاری که نمی‌کشید، دستکم ۱۰ دقیقه جلو می‌افتید. درست است که بسیاری از ما به این توصیه عمل نمی‌کنیم اما می‌دانیم که علاوه بر صرف وقت و هزینه، سلامتی‌مان هم قربانی می‌شود.

توصیه سوم من به شما این است؛ به جای استفاده از ماشین شخصی، از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنید. تاکسی، اتوبوس و مترو را در اولویت قرار دهید و در جهت منافع جمعی قدمی بردارید. این توصیه هم توصیه ماندگاری است. دولت، شهرداری، رسانه‌های جمعی و حتی ساکنین شبکه‌های اجتماعی در کنار من ایستاده‌اند. شما می‌دانید که با کنار گذاشتن ماشین شخصی، هزینه زمانی و مالی بیشتری متقبل می‌شوید اما به جای آن، در جهت منافع عمومی حرکت کرده‌اید و تبدیل به شهروندی تراز اول شده‌اید. برای آنکه شما را در دام این توصیه بیندازیم، معمولاً تبصره‌ای تشویقی روی آن قرار می‌دهیم؛ استفاده از خودروی شخصی را به روزهای اجبار موکول کنید. از شما می‌خواهیم که عقل سلیم را به کار بگیرید و در روزهایی که باید به چند جا سر بزنید، یا سرماخورده‌اید و حوصله اتلاف وقت و هزینه ندارید، از خیر شهروند تراز اول شدن بگذرید و آسایش فردی را به منافع جمعی ترجیح دهید.

همین وسوسه اما در موج سهمگین آلودگی هوا کار دست ما و شما می‌دهد و فاصله‌ای میان منِ پیشنهاددهنده با نیروهای اجرایی می‌اندازد. عقل سلیمِ هم نمی‌تواند در این بحران راهکاری واقعی پیدا کند. در روزی که صدای گرفته، چشم‌های دودزده و بدن کوفته باعث می‌شوند تا توان ایستادن در ایستگاه اتوبوس را نداشته باشید یا هر قدم که در فضای باز برمی‌دارید بلایی که سر ریه‌هایتان آمده است به شما یادآوری می‌شود؛ کفه ترازو به سمت آسایش فردی سنگینی می‌کند و سلامت انسان به هزینه‌های مادی و زمانی اضافه می‌شود. در روزی که تاکسی‌های اینترنتی و تاکسی‌های بین‌شهری تعدادشان بشدت کم می‌شود و هزینه‌هایشان سر به فلک می‌کشد، چه کسی می‌تواند بگوید شهروند تراز اول بودن هنوز ارج و قرب دارد؟

این روزها که به مدد آلودگی هوا، سمفونی سرفه‌های پیاپی در محیط کار می‌پیچد، دودستگی فرهنگی به چشم‌مان می‌آید. از یک طرف فرهنگ روزهای معمول را داریم که می‌گوید دل به تاکسی و اتوبوس‌های شهری ببندید و اگر کارتان گیر افتاد به سراغ خودروهای شخصی بروید و از طرف دیگر فرهنگ روزهای بحران را به چشم می‌بینیم که نه تاکسی و تاکسی اینترنتی در دسترس است و نه ریه‌ها توان معطلی در هوای آلوده را دارند. در این میان، نهادهای اجرایی هم به جای آن‌که وسوسه‌ای برای ما شهروندان بسازند، سؤال‌ها را بی‌پاسخ می‌گذارند و به اجبار روی می‌آورند؛ جریمه‌های استفاده از خودروهای شخصی را بالا می‌برند و به جای آنکه راهکار نشان دهند یا فرهنگ بحران را برایمان بشکافند، به دو دستگی موجود دامن می‌زنند. از آن‌جایی که در طی سال‌های اخیر، تعداد روزهای بحران از تعداد روزهای معمول بیشتر شده، کفه ترازو به جای آنکه به یک سمت سنگینی کند، از تعادل خارج شده و دیگر برای وزن کردن و میزان شدن، پیشنهاد خاصی ندارد. در نتیجه حل این معضل ذهنی، چالش بی‌پایان من و شماست که در اوج آلودگی هوا چاره‌ای جز سر کار رفتن نداریم و هر روزمان به این سؤال می‌گذرد که آیا شهروند تراز اول این پایتخت دودگرفته بودن ارزشی دارد یا نه. ■

عکس: ایرنا